

هو الأبهی - ای متمسک به ذیل کبریاء نفعهای که از حدیقه...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۳۵

هو الأبهی

ای متمسک به ذیل کبریاء نفعهای که از حدیقه قلب آن موقن بالله برخاسته بود به مشام مشتاقان رسید و سبب روح و ریحان گردید حمد خدا را که به جبل متین میثاق متشبثید و به عروة الوثقی عهد نیر آفاق متمسک چون به این موهبت عظمی کما هو حقها موفّق گردی مطمئن باش و متیقّن که مؤید در جمیع شئون میشوی ولی فطن باش و متفرّس و ذکی باش و حارس تا به اشارات و کلمات و همز و ایماء و توریه و ایهام جمع نیام پی بری و امر الله را از طواری و طوارق و جوارح و نوائب حفظ نمائی چه که هر بی فکر و معدوم الذّکری در فکر القاء شبهات و بثّ متشابهات افتاده یکی عصمت کبری بهانه کرده و کمر بر تحقیر مقام مرکز میثاق بسته و دیگری عنوان تأکید توحید کرده و تکفیر موحدین نموده و به اشاره و تلویح این عبد را رئیس المشرکین شناسانده، دیگری یکفینا و حسبنا کتاب الله چون خلیفه ثانی گفته و عدم احتیاج به مبین را اعلان کرده و چون احد سلف به کتاب و حده دعوت نموده سبحان الله مبین حاضر و ناظر و مرکز میثاق منصوص و محسوس و به کلی متروک و به جهت دفع اختلاف دعوت به رجوع آیات و حدها میشود و دقت اجتهاد باز و مسند فقاهت گسترده میگردد و حال آن که معنی آیات و تعیین محکمات و تأویل متشابهات به نصّ صریح الهی به او راجع این القاءات و نشر شبهات چه بی فکری است و چه بی خردی فاعتبروا یا اولی الانصاف و انصفوا یا اولی الالباب. سبحان الله این عبد را امید چنان بود که احبّای الهی ظلمات شبهات اعدای جمال مبارک را شعاع کاشف باشند و شیاطین ارتیاب را شهاب ثاقب حال مؤسس شبهات گشتند و مروج متشابهات، باری آن جناب



ORIGINAL



AUDIO

امیدوارم که در آن صفحات حافظ مرکز میثاق گردید و حارس حصن حصین نیر آفاق نجم هدی گردید و دلیل سبیل نجات ضعیفان و صغراء را از وساوس مصون نمائید و بی‌خبران را محفوظ و ملحوظ دارید تشنگان را سلسبیل هدایت باشید و طالبان را بدرقه عنایت شب و روز در اعلاء کلمة الله بکوشید و در انجمن یاران چون سراج بدرخشید ندای هاتف ملکوت ابهی را به گوش جان بشنوید و صدای سروش ملاً اعلی را به سمع قلب استماع نمائید که به بانگ بلند فریاد مینماید و حزب فتور را خطاب میفرماید که ای بیوفایان قیص مقدس من هنوز تر است و آثار جسد من مشتهر مرکز میثاق را مخذول نمودید و سلطان عهد را منکوب علم تزلزل برافراختید و در میدان ظلم بتاختید با سیف مسلول و سهام مرشوق هجوم نمودید و به صد هزار کتایه و اشاره و تلویح به اعظم اهانت و توهین قیام، روزی اظهار استغنا نمودید و به یوم یغنی الله کلاً من سعته استدلال کردید و دمی یکفینا کتاب الله بر زبان رانیدید و مبین منصوص را مخذول شمردید و روزی عصمت کبری بهانه نمودید و از برای مرکز میثاق و شمع آفاق خلاف عصمت به اذهان القا نمودید او را فرید و وحید بی ناصر و معین گذاشتید و جمیع زحمت بیگانه و خویش را بر او حمل نمودید و در آتش اعتساف او را سوختید و شب و روز به تشویش افکار و تخدیش اذهان پرداختید و در هر ساعتی صد هزار شبهات القا نمودید دمی او را آسوده نگذاشتید و آتی او را آزاده نخواستید و شبی او را در بالین راحت و ستر آسایش مستریح نهادید باوجود این فریاد و فغان بلند نمودید و صیحه تظلم به آفاق رساندید شب و روز در بالین پرند و پرنیان بیاسودید و در سیر و تفریح وقت بگذرانید و آه و ناله نمودید و جزع و فزع کردید. ای بیوفایان اینگونه وفای به عهد است و تمسک به میثاق؟ اعانتی نمودید، اهانت چرا؟ مرهم نبودید، زخم چرا؟ بانی نبودید، هدم چرا؟ این علم میثاق لواء معقود دست حضرت مقصود است البته سایه بر آفاق افکند و سعی و کوشش شما هدر رود. باری جناب میرزا قسم به جمال اگر واقف بر وقایع بی‌وفایان گردی البته خون بگری و چنان ناله کنی که حنین و اینت به ملکوت ابهی رسد. یک کلمه بشنو مرکز منصوص موجود و یکفینا کتاب گویند***.** ع ع

